

بررسی نقوش تصویری قدیمی خوزستان

نقاشی‌های شهر دزفول و حومه با تحلیلی بر مکتب شمایل‌سازی

مقدمه:

آب و هوایی صحرای نسبتاً خشک با تابستان‌هایی بسیار گرم و زمستان‌های معتدل است.

دزپل، دژپل و در اصطلاح محلی آن را دزفیل و دسفیل گویند. معرب آن دز به منظور برقراری ارتباط بین پایتخت جدید یعنی جندی‌شاپور (گندی شاپور) و شوشتر ساخته شد.

دزفول تا اوایل قرن سیزدهم در کتاب‌ها به نام اندامیش و اندامشک خوانده می‌شد که احتمال دارد نام دزفول یا دژپل از نام همان قلعه یا دژی که مشرف به پل دزفول بوده، مشتق شده باشد. دزفول که مانند شوشتر مدت‌ها تحت‌الشعاع جندی‌شاپور بود پس از ویران شدن شهر اخیر، رونق بیشتری یافت، اما به سبب عدم توجه به تعمیر شبکه عالی آبیاری عهد ساسانی به شهر و اطرافش آسیب بسیار رسید. این شهر که از هجوم مغول محفوظ مانده بود بعدها تحت فرمان ایلخانان درآمد. مردم این سامان در مقابل امپراتور مقاومتی نشان ندادند. نادرشاه چند بار به دزفول آمد و برای حفظ آن در مقابل لران، قلعه‌ی دز شاه را در چند کیلومتری شمال شرقی شهر بنا نهاد. در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی صنعت رنگ‌سازی (رنگ نیل یا همان لاجورد) تا قبل از رواج رنگ‌های خارجی رونق بسیار داشت. از کالاهای تجاری عمده‌ی دیگر قلم نی بود که تا قسطنطنیه و هند صادر می‌شده است. از دیگر هنرهای تزئینی و کاربردی می‌توان به صنعت طلاسازی معماری (آجرکاری)، فرش و گلیم و پارچه و چوقابافی^۱ و حصیر و نم و دیگر هنرهایی که به نحوی از چوب در مصالح آن استفاده شده، هنرهای تصویری مانند تصویرگری کتاب، قلمدان، جای سیگار، و نقاشی روی دیوار (نقاشی دیواری)، بوم، فلز، شیشه و آئینه اشاره کرد.

در شمایل‌نگاری درباری (۱۲۷۰ - ۱۱۷۰ هـ. ق) یا مکتب قاجار^۲ در رسم نقاشی‌هایی با عنوان صورت‌سازی از شاهان و شاهزادگان، داستان‌های ایرانی و مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفت و چون بعدها در چایخانه‌ها و اماکن مذهبی به نقل درآمد (پرده‌های بزرگ تصویرسازی شده) به نقاشی

تغییر حکومت‌ها و بی‌علاقگی ناشی از نامرادی‌های زمانه حرکت و آفرینش‌های هنری را همواره دچار تزلزل کرده، به صورتی که در بعضی از زمان‌ها و مکان‌ها استادان فن با روش‌ها و شیوه‌های منحصر به فرد به خلق آثار هنری پرداخته‌اند. امروزه تنها آثار کم‌رنگی از آن میراث در کمال گمنامی بر جای مانده؛ آثاری که تاکنون بر بیننده تأثیرگذار بوده است.

در این بررسی کمتر کسی فکر می‌کرد که هنر و هنرمندی در شهرهای دورافتاده به دور از حرکت‌های زمانه وجود داشته باشد که کشف حلقه‌های پراکنده‌ی هنر در سرزمین اسلامی ما را به شالوده‌های مهم هنرهای اسلامی نزدیک‌تر سازد. آثار بر جای مانده از نقاشی‌ها بر روی دیوارهای اماکن مذهبی، گذرها، حجله‌ها و قلم‌دان‌های شهر دزفول شاهد این مدعاست. تعقیب و تحقیق پیرامون این مطالب وصلی است بین ذوق پایدار و هنر هنرمند که از شالوده‌ی مذهب سیراب می‌شود و هنرمند با حضور در میان مردم به باورهای دینی و اعتقادات مردم کوچه و بازار، تقدس هنری می‌بخشد و شیوه‌ی آن را نقش می‌زند که در جای خود بسیار تأثیرگذار است.

در همه‌ی دوره‌ها ذوق هنردوستان و پیشینیان هنرمند بوده است که بین هنر و هنرمندان رابطه ایجاد نموده و از طریق این ذوق پایدار هنر پابرجا مانده است. قطع این رابطه، هنر را متوقف می‌سازد و شروع دوباره‌ی آن کاری بس پیچیده و دشوار می‌باشد. بنابراین، حفظ هنر و نگهداری آن شامل آثار به جای مانده، ابزار و مواد معرفی نوع کار و استادان فن نگارنده را بر آن داشت که با جمع‌آوری این مجموعه حداقل تلاشی را انجام داده باشد.

دزفول و پیشینه‌ی آن

شهرستان دزفول یکی از شهرستان‌های استان خوزستان از طرف شمال به شهر خرم‌آباد، از مشرق به شهر شوشتر و مسجد سلیمان، از مغرب به دهلران و دشت آزادگان و از جنوب به شهر اهواز محدود می‌شود. رودخانه‌ی مهم این شهرستان رودخانه دز می‌باشد که از میان شهر می‌گذرد و دارای



نمونه‌هایی از الگوهای نقاشی روی قلمدان، دزفول

قهوه‌خانه‌ای هم شهرت یافت.

مکتب شمایل‌نگاری به انسان به عنوان عنصر برتر توجه کرده و انسان را با دید تزئینی تصویر کرده است. در این مکتب انسان خاص و بدون روان‌شناسی مطرح است (انسان عروسکی) انسان به عنوان فرد اروپایی و ایرانی طرح نمی‌شود. او یک بُعد دارد و آن هم عنصر تزئین است، بدون روان‌کاوی...

در منطقه‌ی دزفول نقاشی به دو منظور رسم می‌شده، اول جنبه‌ی حفظ سنت‌ها و شعائر دینی و دوم تزئین. عشق و علاقه به خاندان نبوت در این دیار نقاش را بر آن داشته که بیشتر تصویرگر این خاندان باشد، از این رو هنر خوزستان در جشن‌ها و عزاداری‌ها و مراسم مذهبی نمود ویژه‌ای به خود می‌گیرد که در این راستا عنصر تزئین (جنبه دوم) زینت‌گر این احوال است. به دلیل ارتباط و همزمانی هنرمند نقاش با سایر نقاط (مثل اصفهان، شیراز...) در شیوه و ارائه‌ی کار خصوصیات مشترکی پدید آمده که به ذکر آن می‌پردازیم:

الف - موضوع و محتوا

- نقاشی‌ها با سفارش بانیان خیر (اشخاص نیکوکار) نقاشی شده‌اند.
- نقاشی‌ها توصیف‌گر رویدادها و زندگی ائمه و اهل بیت هستند.

۱. ابعاد آثار

- بر فضای داخلی دیوارها یا رفک‌ها (طاقچه‌های از پیش تعیین شده برای نقاشی) اماکن مقدسه‌ی قدمگاه و پیرها.
- نقاشی بر بوم‌های جاسازی شده در شیدونه (شیدونه^۳ یا شهیدانه به حجله‌های چوبی مثبت‌کاری شده گویند که در ایام ماه محرم نصب و مورد احترام مردم قرار می‌گیرند. اسامی شیدونه‌ها بر طبق نام‌های اهل بیت پیغمبر، مثل شیدونه قاسمیه: شیدونه حضرت قاسم، شیدونه علی اکبر، شیدونه امام رضا و... می‌باشند) اندازه‌ی این نقاشی‌ها به ۱ تا ۱/۵ متر می‌رسد که بعد از اجرای نقاشی، (روی پلیت^۴ چوب و پارچه) بر چارچوب مخصوص نصب و

درون جایگاهش (در یک یا دو وجه شیدونه) قرار داده می‌شده است.
- نقاشی بر سطوح دیگر مثل شیشه، قلمدان جای سیگار (خط عیدی یا قلعیدی، نقاشی‌های دست ساز که توسط استاد یا معلم به نقاش سفارش و به عنوان جایزه به شاگردان هدیه داده می‌شده است) موضوع این قلعیدها بیشتر در زمینه‌ی روایات و احادیث ائمه بوده است.
- بر فضای داخلی دیوارهای منازل و اطاق‌های اشخاص (نقوش گل و بلبل، دهن اژدها و...)

۲- کمال مطلوب زیبایی (کمال‌بخشی)^۵

- سفارش دهنده و نقاش به موضوع‌های مذهبی علاقه نشان می‌دهند.

- جلا دادن تابلو برای زیبایی به کار می‌رود.

- نقاش برای زیبایی به میل خود از نقشامیه‌های تزئینی استفاده می‌کند،

مثل ترسیم جواهرات بر تاج، زین، شمشیر و...

- چهره‌ها اغلب سه رخ با محاسنی پرپشت و ابروانی کمائی و پیوسته

بوده. در بیشتر تصاویر سربندی دوره گردن را می‌پوشاند (قسمتی از سربند به دور گردن پیچانده می‌شود) بستگی به مقام، هاله‌ی دور سر کوچک یا بزرگ

می‌شود و زنان با پوششی سیاه و پوشیه‌ی سفید تصویر شده‌اند.

- هیچ تلاشی برای نشان دادن حالات روانی در چهره‌ها وجود ندارد

و دست‌ها و پاها بخشی از حرکت را القا می‌کنند (حالات روانی فقط در حیواناتی نظیر اسب، شیر و... به چشم می‌خورد که با وحشت به بیننده می‌نگرند).

- اسامی و نوشته‌ها (اشعار مذهبی) بازگوکننده‌ی رویدادها، حوادث و

معرف اشخاص هستند.

۳- تنوع موضوع‌ها

- موضوع‌های دنیوی (حادثه کربلا، تصویرسازی ائمه، گل و بلبل و...)

- موضوع‌های غیردنیوی (بهشت، جهنم، تذهیب و...)

عبارت است از زین هاله‌ی دور سر، محراب‌ها، شمشیرها، گردن، اسب‌ها، خطوط دامن. عناصر افقی عبارت است از خط زمین، تخت، خط دیوار و... عناصر عمودی انسان‌ها نیزه‌ها و... را تشکیل می‌دهند.

۳- تزیین و زینت‌کاری

- تسلط عناصر تصویری بر تزیین زیاد است.

۴- رنگ و رنگ‌آمیزی

- خلوص و غناء رنگی بسیار زیاد است.

- مسلط‌ترین رنگ‌ها به ترکیب آبی، فیروزه‌ای، قهوه‌ای سوخته، قرمز، سبز، سفید، زرد اکر (نخودی) نارنجی، سیاه و... هستند.

در بعضی موارد از جواهر نشاندن استفاده شده (نقطه‌های برجسته سفید، سبز و قرمز رنگی بر زمینه‌های قهوه‌ای سوخته و سیاه و زرد نخودی رسم می‌شده است).

- تکنیک برجسته‌نمایی^{۱۰} با اندکی سایه‌پردازی از یک یا دو سو اجرا می‌شده است.

۵- تناسبات^{۱۱}

- نسبت به سر بدن از ۱/۵ شروع و تا ۱/۷ ختم می‌شود.

ابزار و وسایل کار در نقاشی

همان‌طور که در بخش پیش اشاره کردیم، هنرمندان خود وسایل کار موردنیازشان را تهیه می‌کرده‌اند، این وسایل عبارتند از: قلم‌موها،^{۱۲} رنگ‌ها، چسب‌ها (ورنی‌ها و حلال‌ها) و سطوح کار...

الف - قلم‌موها

قلم موهای کوچک، قلم موهای بزرگ

ب - رنگ‌ها

پودرهای رنگی معدنی، گیاهی و پودرهای آماده شده صنعتی

ج - چسب‌ها^{۱۳} (ورنی‌ها و حلال‌ها)

سندلوس، کنیرا (کنیره) دامر، لاک الکل، سریش کمائی (سریشم گرم)، سریش (پودر سریش)، نفت، سقز (نوعی آدامس)، غزه (نوعی آدامس از شیر درخت)

د - سطوح کار:

- نقاشی‌های دیواری (سطوح بزرگ)

نقاشی در اماکن متبرکه و قدمگاه (پیرها)

- نقاشی‌های روی بوم (سطح کوچک)

نقاشی روی سطوح کوچک مثل فلز، پارچه، چوب، کاغذ، آینه، صندوقچه، جلد کتاب، قلمدان، ورق‌بازی و...

الف - قلم‌موها:

- قلم موی کوچک (از موی گربه)

بعد از جدا کردن تیز پر کبوتر، آنها را در آب خیسانده و موها را از ساقه‌ی اصلی جدا می‌کردند، سپس محور اصلی را به قطعات مناسب (۳ سانتی‌متر) تقسیم و موهای انتهایی دم گربه را بعد از جداسازی و پیچاندن در نخ از لوله خالی تیز پر کبوتر عبور داده و بعد از جای‌گیر موها، چوب تراشیده شده به عنوان دسته قلم‌مو) و آغشته به چسب را در فضای خالی تیز پر و پشت موها فرو می‌کردند. از این قلم مو برای پرداخت نقاشی (سطوح و خطوط ظریف)



نقاشی روی دیوار، سردرب ورودی داخلی بقعه‌ی پیر رودبند، دزفول

نقاشی روی دیوار، نقاشی داخل محراب مسجد معزی، محله‌ی قلعه، دزفول



ب - قالب (ساختار زیبایی‌شناختی)

- ۱- عدم رعایت اسلوب‌ها به طرز علمی و کامل
- جهت و منبع نور مشخص نیست و گاهی هم متناقض است
- اصول برجسته‌نمایی در لباس‌ها، کم و در صورت و دست‌ها کمتر دیده می‌شود و در بعضی از موارد از رنگ‌های تخت استفاده شده است.
- چهره‌ها غالباً سه رخ و در موارد استثنایی تمام یا نیم‌رخ هستند.
- زانوها، ران‌ها و مچ‌های پا از دامن به پایین کشیده شده و در مواردی پاها در زیر دامن مخفی شده‌اند.
- عمق نمایی خطی^۶ و رنگی وجود ندارد.
- سعی برای نمایش جنسیت دیده نمی‌شود
- تضاد در تباین تاریکی و روشنی رنگ‌ها بسیار زیاد است.
- در اغلب نقاشی‌ها از خطوط سیاه و کناره‌نما^۷ (خطوط کنتور - خطوط محیطی) استفاده شده است.

- نقاشی‌ها از اصول آتومی^۸ پیروی نمی‌کنند.

۲- ساختار و ترکیب‌بندی^۹

به واسطه‌ی تقارن و نوع ساختار، شمایل اصلی در وسط تابلو قرار گرفته و بقیه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، عنصر اصلی تابلو بزرگ‌تر از همه و به ترتیب مقام نسبت به اصل در اندازه کوچک‌تر ترسیم می‌شود. عناصر منحنی

استفاده می‌شده است.

- قلم‌موهای بزرگ (از موی گاو و گاومیش)

قسمتی از موهای دوم گاو یا گاومیش را انتخاب و بعد از جدا کردن و نخ پیچ کردن با نوار کاغذی می‌بستند و انتهای موهای دسته شده را چسب زده و با ورقه نازک فلزی محصور می‌کردند (به صورت لوله فلزی). بعد از ساخت دسته‌ی چوبی به عنوان دسته قلم مو، آن را در پشت موها و داخل ورقه لوله‌ی شده فلزی فرو و بعد از خشک شدن به وسیله‌ی ضرباتی، شکل قلم مو را با تخت یا گرد تغییر حالت می‌دادند.

ب - رنگ‌ها:

- رنگ‌های پودری معدنی (لاجورد، نیل، اخرا، عمراء، اکر، طلا، نقره و...)

- رنگ‌های پودری گیاهی (روناس، حنا، پوست گردو، مورت و...)

- رنگ‌های پودری صنعتی (پودرهای رنگی آماده از ترکیبات آلی، معدنی و...)

ج - چسب‌ها (ورنی‌ها و حلال‌ها)

- سندروس:^{۱۴}

قطعاتی از این ماده را بعد از حل کردن به وسیله‌ی گرما (جوش دادن درون ظرف) با روغن بزرک گرم شده^{۱۵} ترکیب و بعد از سرد شدن با نفت رقیق کرده و برای جلا و محافظت در مقابل فرسایش رطوبت و گرما بر روی اثر هنری می‌کشیدند. لازم به ذکر است که این ماده بر روی نقاشی‌هایی که روی فلز رسم می‌شده، بسیار مؤثر و بادوام بوده است.
کتیرا (کتیره):

نوعی صمغ درختی (به صورت قطعات کوچک ماده) که بعد از خیساندن با آب، با پودر رنگی مخلوط و بعد از گذراندن از صافی برای رنگ‌آمیزی در نقاشی دیواری و روی پارچه مورد استفاده قرار می‌گرفت.

- سقز:^{۱۶}

صمغ نوعی درخت که بعد از جوش دادن با روغن بزرک مخلوط و به عنوان حلال پودرهای رنگی در نقاشی به کار رفته و بر سطوح فلزی و چوبی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

دامر (دامار):^{۱۷}

نوعی چسب و جلا که برای محافظت آثار هنری به کار می‌رفته است.
لاک‌الکل:^{۱۸}

به همان سندروس مخلوط شده با الکل گویند که برای جلال دادن^{۱۹} و محافظت کردن سطوحی چوبی و کاغذی قلمدان جای سیگار، ورق‌بازی و... به کار برده می‌شده است.

غزه و نفت:

غزه نوعی شیره‌ی درخت به صورت قابل انعطاف و پلاستیکی به رنگ زرد کم رنگ (نخودی) به عمل می‌آید، بعد از حرکت دادن نفت بر روی یک پاتیل محصور شده آن را درون پاتیل ریخته و هم می‌زدند تا مایع چسبناکی حاصل آید، این ماده بعد از سرد شدن با قلم مو بر روی سطح کار کشیده می‌شد.

- سریش کمانی (سریشم گرم):^{۲۰}

نوعی چسب حیوانی که به صورت قطعات ورقه‌ای قهوه‌ای تیره رنگی که بعد از حرارت دادن روی آب برای چسبندگی دانه‌های رنگی در نقاشی



نقاشی دیواری، قدمگاه حضرت عباس(ع)، با مضمون، اذن جهاد از امام، کوچه شهید اخلاق زاده، دزفول



نقاشی دیواری با مضمون یا ضامن آهو، بقعه‌ی پیر رودبند، دزفول



نقاشی روی فلز پلیت، حسینیه علی‌اصغر دزفول، با مضمون حضرت علی‌اصغر بر دستان امام

دیواری و پارچه و همچنین صحافی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

- سریش:^{۲۱}

پودر چسبنده‌ای که از ریشه نوعی درخت به عمل آمده که بعد از ترکیب با آب و پودر رنگی به عنوان چسب رنگ و چسباندن سطوح بر روی هم مورد استفاده قرار می‌گرفت.

د - سطوح کار:

- دیوار گچی:

برای نقاشی با رنگ روغن ابتدا دیوار گچی را با کتیرا یا سریش استر کرده و بر روی آن با رنگ و روغن به نقاشی می‌پرداختند.

برای نقاشی با رنگ‌های پودری ابتدا کتیرا و شیره‌ی خرما (به مقدار کم) را با پودر رنگی مخلوط کرده و مستقیماً بر روی دیوار رسم می‌کردند.

- پلیت (ورقه نازک فلزی):

بعد از نصب ورقه فلزی روی چوب (پشت بند) با رنگ‌های روغن به نقاشی پرداخته و بعد از خشک شدن لایه رنگی، لایه نازکی از سندروس بر آن می‌کشیدند.

- پارچه:^{۲۲}

با استفاده از رنگ‌های آبی (ترکیب پودر رنگی با آب و چسب) و

رنگ‌های روغنی بر روی بوم یا پارچه رسم می‌کردند.
چوب: ۳۳

بعد از کنار هم چیدن ورقه‌های چوبی و بتونه کاری
برای ایجاد سطح صاف) با رنگ روغن به نقاشی می‌پرداختند.
- کاغذ:

نقاشی‌ای که به وسیله رنگ‌های آبی بر روی ورقه‌های نازک کاغذی
(قلعیدی یا خط عیدی، تذهیب و ...) مقوایی (جلد کتاب، ورق بازی و...))
رسم شده است.

قلمدان و جای سیگار:

نقاشی بر بدنه‌ی قلمدان و جای سیگار انجام می‌پذیرفته که بعد از اتمام
کار برای محافظت و زیبایی، سندروس یا لاک‌الکل بر آن کشیده می‌شده
است.

شیشه و آئینه:

با استفاده از رنگ‌های روغنی بر روی این سطوح رسم می‌شده است.

- تصویرگران گمنام

- ملا ابراهیم نقاش: در خانواده‌ای فقیر دیده به جهان گشود. وی از
همان کودکی علاقه‌ی زیادی به نقاشی و کارهای دستی نشان می‌داد و
همین علاقه سبب شد که دوست او (شیخ محمدرضا معزی) تقبل مخارج
کند و او را برای فراگیری فنون نقاشی راهی اصفهان نماید. ملا ابراهیم بعد
از یک سال آموزش به زادگاهش (دزفول) مراجعت کرد و به حرفه‌ی نقاشی
مشغول شد.

وی بعد از چند سال در اثر شیوع بیماری در دزفول دیده از جهان فرو
بست، او دارای چهار فرزند به نام‌های ملا اسدالله، ملا حسن، ملاحسین و
دختری به نام زری بوده است.

آثار وی در زمینه‌های نقاشی قلمدان، شمایل‌نگاری و دیوارنگاری در
خوزستان به یادگار بر جای مانده است.

ملاحسن نقاش: فرزند دوم ملا ابراهیم نقاش که در سال ۱۲۸۲
شمسی در دزفول متولد و در زمینه‌ی روی جلد قلمدان‌ها، سطوح کوچک و
بزرگ (دیوار) هم‌چنین در ساخت ماسک (مورد استفاده در مراسم عروسی و
ماکت‌هایی برای عزاداری) به فعالیت پرداخت. وی به سال ۱۳۶۵ در دزفول
بدرود حیات گفت.

ملا اسدالله نقاش: او در تاریخ ۱۲۶۶ شمسی در دزفول چشم به
دنیا گشود و تحت تعالیم پدر (ملا ابراهیم) به حرفه‌ی نقاشی مشغول شد.
به واسطه‌ی شهرت وی در منطقه، توسط شخصی به نام منشی‌پور (تاجر
دزفولی) برای نقاشی کتاب شاهنامه (یکی از مهارجه‌های هندی) راهی
هندوستان (بمبئی) شد و بعد از شش ماه به ایران بازگشت. سفر بعدی او دو
سال بعد به مدت چهار ماه تکرار و بعد از اتمام نقاشی‌ها به ایران بازگشت.
ملا اسدالله پس از هشتاد و یک سال زندگی پرنج در سال ۱۳۴۷
شمسی در دزفول چشم از دنیا فرو بست. آثار به یادگار مانده وی شامل
نقاشی دیواری، نقاشی روی بوم، مصورسازی کتب (شاهنامه، هزار و یک
شب و...) نقاشی‌های روی قلمدان می‌باشند که تعدادی از این آثار در
خوزستان و تعدادی در خارج از کشور (موزه‌های کشورهای مثل انگلستان و
فرانسه) به یادگار وجود دارند.



نقاشی دیواری، (مسجد صعصعه) دزفول، مزار صعصعه بن سوحان (سردار اسلام)



نقاشی گل و بلبل، بقعه‌ی پیر رودبند، دزفول

ملامجید نقاش: پسر بزرگ ملا اسدالله که در سال ۱۲۹۸ شمسی در دزفول متولد شد و زیر نظر پدرش به حرفه‌ی نقاشی مشغول شد. وی گواهینامه‌ی تحصیلی شبانه‌روزی خود را در سال ۱۳۱۶ شمسی کسب کرد. او به دلیل ضعف بینایی در سال‌های آخر زندگانی‌اش دست از نقاشی کشید و سرانجام، در سال ۱۳۷۰ چشم از دنیا فرو بست. او دارای شش فرزند است که هیچ کدام از آنها حرفه‌اش را دنبال نمی‌کنند. آثار این هنرمند در زمینه‌ی نقاشی دیواری و شمایل‌نگاری است.

حبیب نقاش: فرزند ملا حسن نقاش که در سال ۱۳۱۱ شمسی در دزفول متولد و با الهام از آثار پدرش هم اکنون در سنین کهولت به خلق آثار هنری با شیوه‌ای جدید می‌پردازد.

نتیجه:

بررسی آثار و میراث گذشتگان با توجه به عدم اطلاعات مکتوب، کاری بس دشوار و پیچیده است. چرا که استادکار با عرضه کردن بی‌کلام آثار و تجربیات خویش بر سینه‌ی دیوار جایی برای صحبت باقی نمی‌گذارد، ولی نتیجه‌گیری بر این آثار خود راهی است برای پیدا کردن (حلقه مفقود شده) و ارتباط با زمان حال.

سؤالی که به ذهن می‌آید این است که چرا و به چه دلیل در این شاخه‌ی پر بار هنر، توقف کامل یا ادامه‌ی انحراف‌آمیز، اتفاق افتاده است؟ جواب این سؤال همان باوری است که عده‌ای می‌گویند چرا دوباره این آثار را به نمایش و به نقد می‌گذارید، آیا بهتر نیست حرکتی جدید را با توجه یا بی‌توجه بر آنچه داشته‌ایم، شروع کنیم و آنقدر به گذشته و گذشتگان تکیه نکنیم؟

نقد بر آثار قدیم هیچ گاه به معنی پذیرفتن بی‌چون و چرای مطلق هنر آن دوره و هم‌چنین نفی کامل نبوده، بلکه باید ببینیم که گذشتگان چگونه رفته‌اند و ما چگونه می‌توانیم از تجربیاتی که حاصل تلاش و همت آنهاست استفاده کنیم و آنها را به کار گیریم یا باید با دید بدبینانه، منکر این همه تحول شویم.

- نقوش و تصاویر ارثه شده گونه‌های اندکی از مجموعه‌ای است که از تخریب و فرسایش مصون مانده است. زیبایی محصورکننده‌ی این گونه نقوش ما را بر آن داشت که با بازگو کردن آنها قسمتی از دین خود را به این ارثیه با ارزش ادا نماییم.

منابع:

- ۱- ایرج، سیستانی افشار. ایرج نگاهی به خوزستان، تهران: نشر بلور، پاییز ۱۳۶۹
- ۲- رحیمیه، فرنگیس و ربوبی، مصطفی. شناخت شهر و مسکن در ایران (اقلیم گرم و نیمه مرطوب) دزفول - شوشتر، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- امام اهواری، سید محمدعلی. نکاتی چند درباره‌ی خوزستان. بی‌نا، بی‌تا.
- ۴- پاکباز، روین. جزوه تاریخ نقاشی ۳، دانشگاه تهران دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۶۴
- ۵- امام اهواری، سید محمد علی، چیستان نامه دزفولی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۹
- ۶- مرزبان، پرویز و معروف، حبیب. واژه‌نامه مصور هنرهای تجسمی (معماری، پیکره‌سازی، نقاشی) تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۵.



نقاشی روی بوم، مسجد پیرنظر، دزفول، با مضمون حضرت بر بالین علی‌اکبر

نقاشی و تزیینات دیواری

